

## اشاره

کیفر حبس از چند دهه پیش به این سو با انتقادهای جدی مواجه شده است و آثار منفی و تبعات نامطلوب مجازات حبس در مقایسه با جنبه های مثبت آن مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در نتیجه از یک سو برای اصلاح و بهبود نظام های زندانبانی تلاش های گسترده ای صورت گرفته است و از سوی دیگر ضمانت اجراهای جایگزین حبس مورد توجه قرار گرفته اند تا اساساً با توسل به آنها از ورود بخش قابل توجهی از بزهکاران به زندان جلوگیری گردد. حقیقت آن است که آثار منفی زندان بر روی زنان زندانی ناگوارتر از مردان است. با این حال نه در حیطه اصلاح و بهبود زندان ها بر پایه نیازها و مقتضیات زنان توجه کافی صورت گرفته است و نه در خصوص ضمانت اجراهای جایگزین حبس در ارتباط با زنان بررسی ها و مطالعات مناسبی شده است. شاید یکی از دلایل اصلی این موضوع نسبت کم زنان زندانی است که در نظام های زندانبانی سراسر جهان بین ۲ تا ۸ درصد متغیر است<sup>۱</sup> و موجب می شود زندان ها و نظام های زندان بانی از حیث معماری، امنیت، تسهیلات و امکانات مختلف برپایه نیازها و مقتضیات زندانیان مرد سازماندهی شوند.<sup>۲</sup> به نظر می رسد سیاست های ناظر بر تدوین و گسترش ضمانت اجراهای جایگزین هم در ارتباط با زنان از این واقعیت متأثر باشند و موقعیت و ویژگیهای خاص آنان چنان که باید مورد توجه قرار نگرفته است. نوشتار حاضر به دنبال آن است که پس از مروری کلی بر گرایش ها و دیدگاه های افتراقی نسبت به زنان در دو حوزه جرم شناسی و حقوق کیفری، موقعیت خاص زنان را در برابر کیفر حبس و به تبع آن در برابر جایگزین های کیفر حبس مورد تأمل قرار دهد. ضمناً مقاله حاضر در کتاب مجموعه مقالات همایش بین المللی کاهش استفاده از مجازات زندان که توسط انتشارات راه تربیت وابسته به سازمان زندان هاست که در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است.



# جایگزین های کیفر حبس در قلمرو نظام عدالت کیفری زنان

حسن طغرانگار

دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری دانشگاه پاریس (پانتئون سوربن)

[togranegar@yahoo.com](mailto:togranegar@yahoo.com)

بخش اول

## ◆ برداشت اول: زن در جرم شناسی

در مواردی به وضعیت زنان در زندان ها نیز توجه نشان داده و بر این حوزه تا اندازه ای تأثیر نهاده اند.<sup>۱۲</sup>

در زمینه جایگاه زنان در جرم شناسی<sup>۱۳</sup> و از حیثی که به موضوع نوشتار حاضر ارتباط می یابد به دو نکته قابل توجه می توان اشاره کرد. نخست این که زنان در بستر اجتماع در مقایسه با مردان آسیب پذیر تر هستند.

دانشمندان علوم جنایی در آثار خود عمدتاً زنان را به منزله موجودی آسیب پذیر در برابر جرم ها و خشونت مردان مورد توجه قرار داده اند.<sup>۱۴</sup> برخی مطالعات معاصر در خصوص جرایم زنان نیز نشان داده اند که درصد بسیار بالایی از مجرمین را زنانی تشکیل می دهند که تنها سرپرست خانواده محسوب می شوند.<sup>۱۵</sup> این امر نشان دهنده آن است که زنان در اداره ی خانواده با دشواری های افزون تری همراه هستند.

برای نمونه آشکار شده است که بیشتر زنانی که مرتکب جرایم کوچک در رابطه با بیمه های اجتماعی و یا کلاه برداری و سرقت می شوند، اعمال مزبور را نه به خاطر خود بلکه به منظور حمایت از کودکان و افرار وابسته به خود انجام می دهند.<sup>۱۶</sup> این امر نشان دهنده آن است که چنین زنانی نتوانسته اند از عهده تأمین نیازهای خانواده تحت سرپرستی خود از طریق شیوه های مشروع و معمول برآیند.

برخی نویسندگان به زبانه شدن فقر در جهان و سهم هفتاد درصدی زنان و کودکان تحت سرپرستی شان از ۱/۳ میلیارد جمعیت فقیر جهان توجه نشان داده اند و آن را از مهمترین عواملی دانسته اند که زنان را به امید تأمین اقتصادی خانواده خود به سوی باند های قاچاق انسان می کشاند.<sup>۱۸</sup>

نکته دوم اینکه به سبب نقش بسیار مهم زنان در زمینه تربیت فرزندان، هرگونه آسیب پذیری زنان زمینه ساز آسیب پذیری کودکان آنها خواهد شد. برخی تحقیقات در غرب نشان داده است که کودکان دارای مشکلات رفتاری مختلف، از مراقبت های مادری کامل و صحیح برخوردار نبوده اند.<sup>۱۹</sup>

نکته قابل تأمل در زمینه آسیب پذیری کودکان چنین زنانی نیز، این حقیقت تلخ است که کودکان دختر در مقایسه با کودکان پسر آسیب بیشتری را متحمل می شوند. تحقیقی که در ایالات متحده آمریکا صورت گرفته نشان داده است که آسیب پذیری دختران در خانواده های از هم پاشیده بیشتر از پسران بوده است.<sup>۲۰</sup>

## ◆ برداشت دوم: زن در حقوق کیفری

حقوق کیفری ذاتاً غیر شخصی است.<sup>۲۱</sup> بدین معنا که تبیین قواعد کیفری عمومی، تعریف فنی جرم ها و مجازات ها و پیش بینی اصول اساسی ناظر بر حقوقی کیفری شکلی به صورت کلی و عام صورت می پذیرد و در واقع قانونگذار کیفری هنگام تعریف جرم ها و تعیین مجازات ها در پرتو اصل برابری افراد در برابر قوانین از معیار یا استاندارد واحدی پیروی می کند.<sup>۲۲</sup> با این

نخستین مطالعات انجام شده در جرم شناسی حول مردان بزهکار بود.<sup>۲</sup> با این حال جنسیت به عنوان یکی از عوامل شخصی بزهکاری نمی توانست از دید جرم شناسان دور بماند و لذا در جرم شناسی، زنان به عنوان یک گروه خاص مورد توجه قرار گرفتند.<sup>۳</sup> با این وجود توجه خاص به بزهکاری زنانه از پایان سال های ۶۰ میلادی و تحت تأثیر مسائل مطرح شده در نهضت آزادی زنان صورت گرفت.<sup>۵</sup>

فمینیسم به منزله یک حوزه بسیار گسترده نظریه پردازی اجتماعی عرصه جرم شناسی را نیز آماج انتقادهای تند خود قرار داد. جرم شناسان فمینیست بر این باور بودند که در جرم شناسی سنتی شماری از موضوع های مرتبط با زنان نادیده یا تحریف شده اند.<sup>۶</sup> لبه انتقادهای برخی از آنان نیز تندتر بود و از غفلت محض محققان حوزه جرم شناسی از مسئله زنان در پرتو سلطه جنس مذکر بر مباحث نظری این حوزه یاد می کردند.<sup>۷</sup>

رویه دیگر انتقادهای جرم شناسان فمینیست ناظر بر سیطره کارکنان مذکر بر نظام جزایی در سطح های متفاوت قضات، وکلای دادگستری، مشاوران حقوقی، مقام های زندان ها و پلیس بود.

به باور آنان نظام عدالت کیفری هم در عرصه پژوهش و نظریه پردازی و هم در عرصه عمل و کارورزی تحت سیطره مردان قرار داشت.<sup>۸</sup>

تلاش های جرم شناسان برای تبیین بزهکاری زنانه در پرتو دو دیدگاه متمایز سامان یافت که به نوعی متأثر از تمایز میان دو مفهوم جنس و جنسیت بود.<sup>۹</sup>

از یکسو دانش های مختلف همانند زیست شناسی مدام از راز های جسمی و فیزیولوژیکی زنان پرده بر می داشتند و برای مثال نشان می دادند که تغییرات هورمونی و یا دگرگونی هایی مانند اضطراب های دوران بلوغ یا یائسگی، زنان را آسیب پذیرتر می سازد.<sup>۱۰</sup> برخی جرم شناسان نیز تلاش می کردند با بهره گیری از این گونه یافته ها بزهکاری زنان را بر پایه دیدگاهی زیست شناختی تبیین نمایند.

از سوی دیگر طرفداران دیدگاه های جامعه شناختی که عرصه گسترده تری از مطالعات جرم شناسانه بزهکاری زنانه را به خود اختصاص می دادند، تلاش می کردند نقش تفاوت های تربیتی، اجتماعی و... را در عرصه ی بزهکاری زنان برجسته تر سازند. نظریه جرم شناسی فمینیستی به عنوان برجسته ترین دیدگاه برای تبیین بزهکاری زنانه مبتنی بر این پیش فرض کلی است که زنان به لحاظ ساختاری از وضعیت نا مساعد و نا مطلوبی در جامعه برخوردار هستند.<sup>۱۱</sup> از همین رو ماهیت بزهکاری زنان را باید در شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مورد مطالعه قرار داد و خشونت شایع علیه زنان و وضعیت نا مطلوب خانوادگی از حیث اقتصادی را همواره به عنوان پیش شرط اساسی برای هرگونه رفتار مجرمانه زنان در نظر گرفت.<sup>۱۲</sup> جنبش های فمینیستی علاوه بر حوزه کلی بزهکاری،

وجود قوانین تصویب شده توسط قانونگذار کیفری به طور مطلق از ملاحظات جنسیتی عاری نمی گردد و در موارد خاص بر پایه تفاوت های جنسیتی از معیار های دو گانه ای در خصوص مردان و زنان استفاده می شود.

از سوی دیگر در طول فرآیند کیفری معیار جنسیت نقش پر رنگ تری به خود می گیرد و با توجه به شخصیت، نگرش و ملاحظات حقوقی و فرهنگی دادرسان و ضابطان قضایی، سرشت جنسیتی تصمیم گیری ها افزایش می یابد. معیار جنسیتی چه در عرصه ی قانونگزاری و چه در مرحله دادرسی می تواند به صورت مثبت یا منفی نسبت به زنان عمل کند.

کسانی که بر تبعیض منفی نسبت به زنان انگشت می نهند از دو منظر، حقوق کیفری را مورد انتقاد قرار می دهند. از یک سو معتقدند هر چند به ظاهر تلاش قانونگذار بر این است که از معیار واحدی در تعریف جرم ها و مجازات ها و اصول اساسی دادرسی تبعیت کند اما در عمل این معیار واحد تا اندازه زیادی متأثر از ملاحظات جنسیتی پنهان و سیطره ذهنی مردان بر آن است.<sup>۲۲</sup> برای مثال در قلمرو حقوق کیفری شکلی برخی معتقدند که آیین دادرسی ایران و برخی کشورهای دیگر یک آیین دادرسی مردانه است که بسیاری از مقررات آن با توجه به موقعیت و وضعیت یک مرد متعارف در جامعه تنظیم شده اند که نتیجه آن برتری مشهود مردان نسبت به زنان است.<sup>۲۳</sup> همچنین در مرحله دادرسی کیفری نیز حضور پر شمار دادرسان و ضابطان قضایی مرد می تواند به تصمیم گیری های متأثر از ذهنیت مردانه و نه منطبق با واقعیت های زنانه منجر شود و دقیقاً از همین روست که برخی معتقدند حضور دادرسان زن - آن هم در موقعیتی برابر با دادرسان مرد - می تواند به دادرسان مرد کمک کند تا مسائل مربوط به زنان بزه دیده و مجرم را با حساسیت بیشتری مورد توجه قرار دهند؛ از فشارهای وارده بر وکیلان زن در دادرسی های کیفری بکاهند و در مجموع با آگاهی های بیشتری در مورد رفتار تبعیض آمیز علیه زنان نسبت به آنها تصمیم گیری کنند.<sup>۲۴</sup>

علاوه بر اینگونه تبعیض های منفی ساختاری، انتقاد دیگر ناظر بر برخی متون قانونی است که به نوعی تبعیض منفی علیه زنان به حساب می آیند. بحث های مربوط به بلوغ، گواهی زنان، قصاص، دیه و... از جمله مواردی هستند که در آنها به پاره ای تبعیض های منفی علیه زنان اشاره شده است.

اما در برابر اینگونه تبعیض های منفی می توان تبعیض های مثبت نسبت به زنان را نیز مورد ملاحظه قرار داد. برخی معتقدند که به صورت کلی در صدور حکم مجازات برای زنان همواره در عمل جنبه اغماض و گذشت غلبه دارد و در حقیقت خود زن بودن از جمله علل مخففه به شمار می رود.<sup>۲۵</sup>

این گونه رفتارهای متفاوت عمدتاً ناشی از تسامح، حمایت و نگاه های پدرانه و برادرانه نسبت به زنان است.<sup>۲۶</sup> در عین حال قانونگذار نیز به ویژه در قلمرو

حقوق کیفری شکلی قوانین و مقررات خاصی را که نشان دهنده سیاست ویژه ارفاق آمیز نسبت به متهمان و مجرمان زن است وضع کرده است.<sup>۲۸</sup>

لزوم رعایت موازین شرعی در بازجویی مواجهه ای و انفرادی از زنان (ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری) و تأخیر در اجرای برخی مجازات ها (مواد ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری) را از جمله اینگونه تبعیض های مثبت نسبت به زنان می توان محسوب نمود. با این وجود برخی معتقدند که این تفاوت گذاشتن ها ناشی از موقعیت های زیست شناسانه (بارداری، زایمان) و اجتماعی (مادری) زنانه است و نمی توان آنها را تبعیض مثبت نسبت به اشخاص متعلق به جنس زن محسوب نمود.<sup>۲۹</sup>

### ◆ برداشت سوم: زنان و کیفر حبس

نسبت زندانیان زن به مرد در همه نظام های کیفری کم است. در انگلستان زنان حدود ۳ درصد جمعیت زندان های بریتانیا را تشکیل می دهند<sup>۳۰</sup> و پیشتر اشاره شد که این نسبت بین ۲ تا ۸ درصد در سایر کشورهای جهان متغیر است.

در ایران نیز از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۰ شمسی ۹۵/۴۱ درصد زندانیان ورودی را مردان و ۴/۵۹ درصد را زنان تشکیل می داده است که به طور میانگین به ازای هر ۱۸ مرد یک نفر زن وارد زندان شده است. البته نسبت مزبور تغییرات قابل ملاحظه ای را هم نشان می دهد. نسبت مزبور در سال ۵۸ برابر ۲۹ و در سال ۵۹ برابر ۲۴ بوده است و طی سال های ۶۰ تا ۷۰ بین ۱۴ تا ۱۷ و طی سال های ۷۱ تا ۷۷ بین ۱۷ تا ۱۹ و در خلال سال های ۷۸ تا ۸۰ بین ۲۱ تا ۲۵ در حال نوسان بوده است.<sup>۳۱</sup>

جدول زیر تعداد زندانیان ورودی زندان های ایران را بر حسب جنس بین سال های ۵۸ تا ۸۰ نشان می دهد.<sup>۳۲</sup>

۳ - تعداد زندانیان ورودی سالهای ۵۸ تا ۸۰ بر حسب جنس و درصد

سال	کل	زن	مرد	درصد زن	درصد مرد
۵۸	۸۷۶۵	۴۰۸۲	۴۶۸۳	۴۶.۸	۵۳.۲
۵۹	۱۲۱۱۲	۳۹۵۰	۸۱۶۲	۳۲.۶	۶۷.۴
۶۰	۱۴۵۰۱	۷۰۷۹	۷۴۲۲	۴۸.۸	۵۱.۲
۶۱	۱۳۱۴۳	۶۶۱۰	۶۵۳۳	۵۰.۳	۴۹.۷
۶۲	۱۶۸۰۶	۸۹۹۱	۷۸۰۷	۵۳.۵	۴۶.۵
۶۳	۱۸۰۵۶	۹۶۳۱	۸۴۲۵	۵۳.۳	۴۶.۷
۶۴	۲۰۸۵۱	۱۱۰۶۷	۹۷۸۴	۵۳.۱	۴۶.۹
۶۵	۲۷۵۸۱	۱۱۷۰۷	۱۶۸۷۴	۴۲.۵	۵۷.۵
۶۶	۲۷۳۱۳	۱۲۵۰۱	۱۶۰۱۲	۴۵.۷	۵۴.۳
۶۷	۳۴۹۳۳	۱۳۳۸۸	۲۱۵۴۵	۳۸.۵	۶۱.۵
۶۸	۴۵۱۳۳	۱۹۹۰۱	۲۵۲۳۲	۴۴.۱	۵۵.۹
۶۹	۵۵۵۳۵	۲۱۹۴۳	۳۳۵۹۲	۳۹.۵	۶۰.۵
۷۰	۶۸۱۹۷	۲۳۰۰۱	۴۵۱۹۶	۳۳.۷	۶۶.۳
۷۱	۳۳۹۶۱	۱۵۰۳۳	۱۸۹۲۸	۴۴.۵	۵۵.۵
۷۲	۳۵۰۰۵	۱۴۳۸۸	۲۰۶۱۷	۴۱.۴	۵۸.۶
۷۳	۳۶۳۷۸	۱۴۹۳۳	۲۱۴۴۵	۴۱.۱	۵۸.۹
۷۴	۴۱۷۵۴	۱۶۰۱۱	۲۵۷۴۳	۳۸.۴	۶۱.۶
۷۵	۴۵۱۲۹	۱۶۱۸۸	۲۸۹۴۱	۳۵.۹	۶۴.۱
۷۶	۴۷۵۸۹	۲۲۴۵۵	۲۵۱۳۴	۴۷.۲	۵۲.۸
۷۷	۵۴۹۹۶	۲۳۷۰۱	۳۱۲۹۵	۴۳.۴	۵۶.۶
۷۸	۵۹۹۶۹	۲۳۷۸۸	۳۶۱۸۱	۳۹.۷	۶۰.۳
۷۹	۵۹۹۶۹	۲۳۷۸۸	۳۶۱۸۱	۳۹.۷	۶۰.۳
۸۰	۶۶۱۶۴	۲۳۷۸۸	۴۲۳۷۶	۳۵.۹	۶۴.۱
جمع کل	۶۹۱۶۴۱	۳۱۶۳۰	۶۶۰۰۱۱	۴۵.۹	۵۴.۱

به بیان دیگر می توان گفت که به طور متوسط از هر بیست نفر زندانی نوزده نفر آنان مرد هستند و این نشانگر

گرایش زندان ها به اداره شدن از منظری مردانه است. در حقیقت رویه ها و برنامه ها بر پایه ی نیازهای جمعیت اکثریت مردان طرح ریزی می شوند و برای انطباق آنها با نیازهای زنان تلاش هایی صورت می گیرد که گاهی نیز متأسفانه این انطباق به شکل کامل یا مطلوب حاصل نمی شود که نتیجه آن اعمال تبعیض علیه زنان در جنبه های مختلف نظام زندانبانی است.<sup>۲۳</sup>

در خصوص نسبت زنان زندانی به مردان زندانی در ایران نیز جدول های زیر نسبت محکومین قضایی کشور به تفکیک حبس را در سال های ۱۳۶۵ نشان می دهد که بر اساس آنها تا حدودی می توان نسبت فعلی زندانیان زن و مرد را در کشور تخمین زد.

اشاره به نسبت کم زندانیان زن می توان درآمد مناسبی به طرح این بحث باشد که زنان زندانی به طور کلی تقریباً همه معایب و آثار منفی را که برای زندان احصاء شده است<sup>۲۴</sup> تحمل می کنند و در عین حال به اقتضای شرایط خاص خود تبعات منفی تری را نیز در مقایسه با مردان تحمل می نمایند.<sup>۲۵</sup> بدیهی است پرداختن به این موضوع نیازمند پژوهش هایی گسترده است تا آثار منفی زندان ها بر زنان به درستی بررسی شود.

در مقاله حاضر تنها تلاش می شود تا به آثار منفی زندانی شدن زنان در سه حوزه وضعیت زناشویی، رفتارهای منحرفانه بویژه رفتارهای جنسی و تربیت فرزندان به صورتی اجمالی اشاره شود.

## ادامه دارد

## پی نوشت ها

- ۱- آندرو کویل، رویکرد حقوق بشری به مدیریت زندان ها، ص ۱۲۹
- ۲- همان
- ۳- تقریرات درس جرم شناسی دکترعلی حسین نجفی ابرند آبادی در دانشگاه امام صادق (ع) نیم سال دوم سال تحصیلی ۸۲-۸۱ ص ۲۶۴
- ۴- مساواتی آذر، مجید، آسیب شناسی اجتماعی ایران (جامعه شناسی انحرافات) ص ۱۲۵
- ۵- گسن، ریموند؛ جرم شناسی نظری، ص ۸۷
- ۶- جرج ولد و دیگران؛ جرم شناسی نظری (گذری بر نظریه های جرم شناسی، ص ۳۷۴
- ۷- وایت، راب و هنز فیونا، جرم و جرم شناسی، متن درسی نظریه های جرم و کجروی، ص ۲۵۸
- ۸- همان
- ۹- عموماً گفته می شود که جنس به تفاوت های جسمی و فیزیولوژیکی مردان و زنان اشاره می کند در حالی که جنسیت به تفاوت های روان شناختی، اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان مربوط می شود. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ص ۱۹۲
- ۱۰- مساواتی آذر، مجید، پیشین، ص ۱۴۳
- ۱۱- وایت راب و فیونا هانیس، درآمدی بر جرم و جرم شناسی، ص ۱۸۰
- ۱۲- همان ص ۱۸۸
- ۱۳- برای آگاهی بیشتر در این زمینه بنگرید به فصل نهم کتاب زندان ها در هزاره سوم، با عنوان "آیا آینده ای فمینیستی برای زندان های زنان وجود دارد؟"
- ۱۴- برای آگاهی بیشتر در خصوص جایگاه زنان در جرم شناسی بنگرید به "زن در جرم شناسی و حقوق کیفری" دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی در کتاب زن و حقوق کیفری، مجموعه مقاله ها، نتایج، کارگروه ها و اسناد

نخستین همایش بین المللی "زن و حقوق کیفری، گذشته، حال و آینده؛ انجمن ایرانی حقوق جزا، نشر سلسبیل، ۱۳۸۴ و "بررسی جرم شناختی جرایم زنان" دکتر شهلا معظمی در کتاب علوم جنایی؛ مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، چاپ اول ۱۳۸۳

- ۱۵- نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ زن در جرم شناسی و حقوق کیفری، ص ۱۰۵
- ۱۶- وایت راب و فیونا هانیس، درآمدی بر جرم و جرم شناسی، ص ۱۹۳
- ۱۷- همان، ص ۱۸۸
- ۱۸- السان، مصطفی، قاجاق زنان و کودکان برای بهره کشی جنسی، ص ۲۴۴
- ۱۹- جزایری علیرضا و مرگان صلواتی، سیاست اجتماعی و خانواده؛ ص ۲۲۵
- ۲۰- مساواتی آذر، مجید، پیشین، ص ۱۳۸
- ۲۱- نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ زن در جرم شناسی و حقوق کیفری، ص ۱۱۱
- ۲۲- همان، ص ۱۱۲
- ۲۳- در فصل قبل نیز اشاره شد که یکی از اساسی ترین انتقادهای جرم شناسان فمینیست، سطره مردان بر نظام عدالت کیفری هم در عرصه پژوهش و نظریه پردازی و هم در عرصه ی عمل و کارروزی است.
- ۲۴- رحمدل، منصور؛ زن در آئین دادرسی کیفری، در کتاب زن و حقوق کیفری، مجموعه مقاله ها، نتایج، کارگروه ها و اسناد نخستین همایش بین المللی "زن و حقوق کیفری، گذشته، حال و آینده" ص ۱۵۵
- ۲۵- فرجیها، محمد، تاثیر مشارکت شغلی زنان در حوزه عدالت کیفری، در کتاب زن و حقوق کیفری، مجموعه مقاله ها، نتایج، کارگروه ها و اسناد نخستین همایش بین المللی "زن و حقوق کیفری، گذشته، حال و آینده" ص ۱۹۷
- ۲۶- حجازی، قدسیه، بررسی جرائم زن در ایران، ص ۱۶۰
- ۲۷- نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ زن در جرم شناسی و حقوق کیفری، ص ۱۱۲
- ۲۸- همان، ص ۱۱۷
- ۲۹- همان، ص ۱۱۸
- ۳۰- گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ص ۱۲۳
- ۳۱- شمس، علی، جمعیت کیفری زندان ها، ص ۴۳
- ۳۲- همان
- ۳۳- کویل، آندره، رویکرد حقوق بشری به مدیریت زندان ها، ص ۱۳۱
- ۳۴- در خصوص معایب زندان بنگرید به آشوری، محمد، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۲
- ۳۵- در این زمینه شاید اشاره به تجربه تشکیل گروه "زنان در زندان" در کشور انگلستان بی فایده نباشد. گروه مزبور که در سال ۱۳۸۳ ایجاد شده مشکل از زمانی است که خود زمانی زندانی بوده اند و برای اصلاح نظام عدالت کیفری زنان تلاش می نمایند.
- گروه مزبور دلایل توجیهی تشکیل خود را به شرح زیر بیان کرده اند: "ابتدا اینکه شرایط حبس زنان متفاوت از شرایط حبس در مردان است و اینکه مشکلات خاص و متمایز حبس زنان عمدتاً از سوی نویسندگان و کسانی که برای اصلاح شرایط زندان مبارزه می کنند و نیز مدیران زندان مورد غفلت قرار گرفته است؛
- دوم این که زنان زندانی از عملکردهای تبعیض آمیز مدیران که باعث بهره مندی کمتر آنها از امکانات آموزشی، کار و اوقات فراغت نسبت به مردانی می شود که مجازات های مشابهی را می گذرانند رنج می برند.
- سوم اینکه زندانیان زن شاهد عملکردهای تبعیض آمیز مأموران زندان نیز می باشند و برای مثال آنها در معرض نظارت و بازبینی انضباطی دقیقتری نسبت به مردان زندانی با سوابق جنایی مشابه قرار دارند؛
- چهارم اینکه زنان زندانی از مراقبت های پزشکی کافی در شرایطی دچار بیماری های خاص زنان می شوند برخوردار نیستند و نیازهای خاص آنها در طی دوران قاعدگی، بارداری و یائسگی غالباً برآورده نمی شود؛
- پنجم اینکه با توجه به تعداد نسبتاً کم زنان زندانی در بریتانیا، بنابر این احتمال بیشتری وجود دارد که زنان نسبت به مردان در زندان هایی نگهداری شوند که در فاصله بسیار زیادی از محل زندگی آنها قرار دارند.
- آخرین توجه این است که محکومیت حبس برای برخی از زنان بر اساس منطقی صورت می گیرد که آنها را نه به عنوان شهروندانی قانون شکن بلکه به عنوان زنانی که دچار ضعف های شخصیتی هستند مجازات می کند.
- بنگريد به فصل دهم کتاب زندان ها در هزاره سوم، با عنوان "وضعیت حبس زنان در انگلستان در پایان قرن بیستم؛ مشروعیت، واقعیت ها و آرمان ها".